

ارائه الگوی راهبردی حکمرانی سایبری مبتنی بر حوزه های سیاسی و اجتماعی ایران (یک نظریه

زمینه ای)

علی مشیری نیا^۱ لایلا نیرومند^۲ سید محمود رضا مرتضوی^۳ سعید اسلامی^۴

تاریخ دریافت: ۰۴/۵/۲۷، تاریخ تایید: ۰۴/۶/۳

DOI: 10.22034/scm.2025.542044.1940

چکیده:

پیشرفت فناوری‌های سایبری و ظهور تهدیدهای نوین، فضای حکمرانی سنتی را دچار تغییرات بنیادین کرده است. با توجه به چالش‌ها و فرصت‌های فضای مجازی در کشور و نقش آن در تحولات اجتماعی، امنیتی و سیاسی، این پژوهش در پی تدوین الگویی بومی و کارآمد برای حکمرانی سایبری است. روش تحقیق حاضر به صورت کیفی انجام شده است. جمعیت مورد مطالعه شامل متخصصان حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات در تهران است و نمونه‌گیری به روش گلوله‌برفی انجام شده که در این راستا با ۱۵ نفر مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام پذیرفت و داده‌ها با روش نظریه داده‌بنیاد تحلیل و مفاهیم و مقولات کلیدی استخراج گردید.

یافته‌های کیفی نشان داد که مدل مطلوب حکمرانی سایبری در ایران باید بومی‌سازی شده، تلفیقی و سازگار با ارزش‌های فرهنگی و سیاسی کشور باشد. مشارکت فعال نهادهای داخلی، هماهنگی نهادی، تدوین قوانین متناسب، تقویت زیرساخت‌ها، توجه به دیپلماسی سایبری و مقابله با چالش‌های فرهنگی نظیر بی‌اعتمادی عمومی، از جمله عوامل کلیدی در طراحی این مدل معرفی شدند. واژگان کلیدی: حکمرانی سایبری فضای مجازی، الگوی راهبردی، حوزه سیاسی و اجتماعی.

طرح مساله:

یکی از دلایل اهمیت انجام این تحقیق، افزایش حملات سایبری در سطح جهان و به‌ویژه علیه کشورهای هم‌چون ایران است. این حملات سایبری که از سوی بازیگران مختلف دولتی و غیردولتی صورت می‌گیرد، نه تنها امنیت اطلاعاتی کشورها را تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند منجر به بحران‌های امنیتی گسترده شود. در چنین شرایطی، تدوین یک مدل راهبردی برای حکمرانی سایبری می‌تواند به تقویت توان دفاعی و امنیتی کشور در برابر تهدیدات سایبری کمک کند و از زیرساخت‌های حیاتی کشور محافظت نماید. از سوی دیگر، فضای سایبری به عنوان بستری

^۱ دانشجوی دکتری گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی میبد، ایران. ali.moshirinia@iau.ac.ir

^۲ دانشیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) In-niroomand@yahoo.com

^۳ استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی میبد، ایران. mortazavi@maybodiu.ac.ir

^۴ استادیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی میبد، ایران. said.eslami@iau.ac.ir

برای ارتباطات اجتماعی و تبادل اطلاعات، نقشی کلیدی در شکل‌گیری و توسعه حرکت‌های اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کند. شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال به ابزاری برای کنشگری سیاسی و اجتماعی تبدیل شده‌اند که می‌توانند بر فرآیندهای سیاسی کشورها تأثیرات عمیقی بگذارند. این مسئله به‌ویژه در ایران، با توجه به شرایط خاص سیاسی و اجتماعی آن، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و ضرورت دارد که مدل‌های حکمرانی سایبری به‌گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند این پویایی اجتماعی را به‌خوبی مدیریت کنند. همچنین، رشد سریع فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و نفوذ روزافزون این فناوری‌ها در همه ابعاد زندگی مردم، چالش‌های جدیدی را برای حکمرانی سنتی به همراه داشته است. در این شرایط، نیاز به سازوکارهایی برای تنظیم و نظارت بر فضای مجازی بیشتر از هر زمان دیگری احساس می‌شود. بدون یک چارچوب حکمرانی مناسب، ممکن است ناهماهنگی‌ها و شکاف‌های مدیریتی در فضای سایبری به بروز آسیب‌های اجتماعی و حتی اقتصادی منجر شود. یکی دیگر از دلایل اهمیت این تحقیق، افزایش نفوذ قدرت‌های خارجی در فضای مجازی ایران است. فضای سایبری به محیطی برای مداخله‌های خارجی و تلاش برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی و سیاست‌های داخلی کشور تبدیل شده است. در چنین شرایطی، نیاز به تدوین استراتژی‌های مناسب برای مقابله با این تهدیدات و حفظ حاکمیت ملی در فضای مجازی، از ضروریات حکمرانی سایبری است.

تحولات فرهنگی و اجتماعی ناشی از فضای مجازی نیز دلیل دیگری برای ضرورت انجام این تحقیق است. فضای مجازی تأثیرات عمیقی بر فرهنگ عمومی و ارزش‌های اجتماعی جامعه گذاشته است. این تأثیرات می‌تواند هم مثبت و هم منفی باشد؛ از یک سو، شبکه‌های اجتماعی زمینه‌ساز تبادل فرهنگی و ایجاد جوامع مجازی شده‌اند و از سوی دیگر، شاهد تغییرات در الگوهای رفتاری و نگرش‌های افراد نسبت به مسائل مختلف هستیم. در این میان، یک مدل حکمرانی سایبری مناسب باید بتواند این تحولات را به‌درستی مدیریت کند. از دیگر موارد ضروری، مسئله حاکمیت اطلاعات است. با گسترش فضای مجازی و افزایش دسترسی افراد به داده‌های مختلف، مسئله مدیریت و حفظ حریم خصوصی افراد و حفاظت از داده‌ها به یکی از دغدغه‌های اصلی دولت‌ها تبدیل شده است.

این تحقیق با هدف تدوین یک مدل راهبردی حکمرانی سایبری، به دنبال ارائه راه‌حلی برای مقابله با این چالش‌ها و حفظ امنیت اطلاعاتی کشور است. در حوزه اقتصادی نیز فضای سایبری به عنوان بستری برای توسعه کسب‌وکارهای دیجیتال و تجارت الکترونیک، نقشی کلیدی ایفا می‌کند. با توجه به این که بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی در بستر فضای مجازی انجام می‌شود، حکمرانی صحیح بر این فضا می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی کشور کمک کند و از سوءاستفاده‌ها و تقلب‌های احتمالی جلوگیری نماید. بنابراین، یکی از ابعاد ضروری این تحقیق، توجه به نقش فضای سایبری در توسعه اقتصادی و طراحی چارچوب‌هایی برای حمایت از کسب‌وکارهای دیجیتال است. علاوه بر این، فضای سایبری تأثیرات گسترده‌ای بر آموزش و فرهنگ‌سازی در جامعه دارد. استفاده از این فضا به عنوان ابزاری برای ترویج آموزش‌های عمومی و تخصصی، فرصتی است که می‌تواند به

بهبود سطح دانش و آگاهی جامعه کمک کند. با این حال، بدون حکمرانی مناسب، این فضا می‌تواند به محلی برای انتشار اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده تبدیل شود. بنابراین، ضرورت دارد که این تحقیق به بررسی راهبردهای مناسب برای استفاده از فضای سایبری در جهت ارتقای سطح علمی و فرهنگی جامعه بپردازد. یکی دیگر از ضرورت‌های این تحقیق، توجه به نقش فضای مجازی در ارتقای مشارکت‌های سیاسی است. شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال، ابزاری برای مشارکت مردم در فرآیندهای سیاسی کشور و بیان نظرات و انتقادات آن‌ها فراهم کرده‌اند. مدل حکمرانی سایبری باید بتواند این مشارکت‌ها را به‌خوبی هدایت کند و از بروز هرگونه تنش یا بحران سیاسی در این فضا جلوگیری کند. این تحقیق همچنین به بررسی ابعاد امنیتی فضای سایبری و چالش‌های مرتبط با آن خواهد پرداخت. با توجه به تهدیدات روزافزون سایبری و حملات اطلاعاتی که می‌تواند زیرساخت‌های حیاتی کشور را هدف قرار دهد، تدوین راهبردهایی برای مقابله با این تهدیدات از اهمیت بالایی برخوردار است. این تحقیق با ارائه یک مدل جامع حکمرانی سایبری، به دنبال ارائه راه‌حل‌هایی برای تقویت امنیت ملی در این حوزه است. همچنین، در حوزه بین‌المللی نیز فضای سایبری به یکی از عرصه‌های رقابت میان کشورها تبدیل شده است. در چنین شرایطی، ایران نیازمند استراتژی‌های مؤثری برای حفظ منافع ملی خود در این فضا و مقابله با فشارهای بین‌المللی است. تحقیق حاضر به‌طور ویژه به موضوعی پرداخته است که در تحقیقات پیشین کمتر به‌صورت جامع و هدفمند مورد بررسی قرار گرفته است. در حالی که بسیاری از مطالعات گذشته به جنبه‌های خاصی از حکمرانی سایبری پرداخته‌اند، این تحقیق با بهره‌گیری از یک رویکرد آمیخته، یعنی ترکیب روش‌های کیفی و کمی، سعی دارد تا تصویری کامل از حکمرانی سایبری ارائه دهد. این پژوهش علاوه بر بررسی عوامل سیاسی و اجتماعی مؤثر در حکمرانی سایبری، به تحلیل تهدیدها، فرصت‌ها، ضعف‌ها و قوت‌ها در این زمینه نیز می‌پردازد. بنابراین، رویکرد جامع‌نگر و استفاده از ابزارهای چندگانه در این پژوهش، از مهم‌ترین نوآوری‌های آن نسبت به تحقیقات پیشین است. این تحقیق با ارائه یک مدل جامع حکمرانی سایبری، به دنبال ارائه راه‌حل‌هایی برای تقویت امنیت ملی در این حوزه است. همچنین، در حوزه بین‌المللی نیز فضای سایبری به یکی از عرصه‌های رقابت میان کشورها تبدیل شده است. در چنین شرایطی، ایران نیازمند استراتژی‌های مؤثری برای حفظ منافع ملی خود در این فضا و مقابله با فشارهای بین‌المللی است. این تحقیق به بررسی این چالش‌ها و ارائه راهکارهایی برای تقویت موقعیت ایران در فضای سایبری جهانی می‌پردازد. در نهایت، این تحقیق به دلیل جامعیت و اهمیت موضوع حکمرانی سایبری، می‌تواند به عنوان یکی از راهبردهای کلیدی برای توسعه سیاسی و اجتماعی کشور مورد توجه قرار گیرد. یکی از نوآوری‌های اصلی این پژوهش، نگاه چندبعدی و جامع به حکمرانی سایبری در ایران است. این تحقیق نه تنها ابعاد سیاسی و اجتماعی حکمرانی سایبری را با جزئیات بررسی می‌کند، بلکه با تحلیل تهدیدها و فرصت‌های داخلی، مدلی کاربردی ارائه می‌دهد که می‌تواند به سیاست‌گذاری‌های دقیق و کارآمد در این حوزه کمک کند. بهره‌گیری از روش تحقیق آمیخته و شناسایی روابط پیچیده میان عوامل مختلف، این پژوهش

را به یک منبع ارزشمند برای تدوین راهبردهای ملی در فضای سایبری تبدیل کرده است. همچنین، رویکرد بومی این تحقیق، آن را به یکی از اولین تلاش‌ها در زمینه تطبیق حکمرانی سایبری با شرایط خاص ایران تبدیل می‌کند. از اینرو، پرسش اصلی تحقیق آن است که الگوی مطلوب بر حکمرانی سایبری مبتنی بر حوزه‌های سیاسی و اجتماعی در ایران کدامند؟

چارچوب مفهومی تحقیق:

نظریه‌های جامعه شبکه‌ای مانوئل کاستلز، حوزه عمومی یورگن هابرماس، و جامعه اطلاعاتی دانیل بل، همگی به صورت یکپارچه و درهم‌تنیده، چارچوبی مفهومی و تحلیلی برای تبیین یافته‌های تحقیق در زمینه الگوی راهبردی حکمرانی سایبری در ایران را فراهم می‌کنند. در این میان، کاستلز با طرح مفهوم جامعه شبکه‌ای، تحولی بنیادین در ساختار قدرت و حکمرانی در عصر دیجیتال را تشریح می‌کند؛ عصری که در آن قدرت نه صرفاً در اختیار دولت‌ها، بلکه در شبکه‌هایی پویا از اطلاعات، فناوری، و تعاملات انسانی توزیع شده است. از نگاه او، جامعه دیجیتال ساختاری غیرمتمرکز دارد و دیگر نمی‌توان با ابزارهای کنترل سنتی بر آن حکمرانی کرد. همین دیدگاه به خوبی نشان می‌دهد که بهره‌گیری از تجربیات کشورهایمانند چین که بر مدل‌های متمرکز و کنترل‌محور تکیه دارند، تنها در صورتی می‌تواند در ایران مؤثر باشد که با واقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی و فناورانه جامعه شبکه‌ای همخوان شود. این نظریه همچنین لزوم مشارکت نهادهای واسط مانند دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و نخبگان را در فرایند حکمرانی برجسته می‌سازد؛ مشارکتی که در یافته‌های تحقیق نیز به عنوان شرط لازم برای موفقیت مدل بومی حکمرانی سایبری مطرح شده است. در امتداد این نگاه، نظریه حوزه عمومی هابرماس بر اهمیت شکل‌گیری فضایی ارتباطی میان دولت و جامعه تأکید می‌ورزد؛ فضایی که در آن شهروندان می‌توانند به گفت‌وگو، نقد و مشارکت در سیاست‌گذاری بپردازند. در تحلیل یافته‌ها مشخص است که عدم اعتماد عمومی به نهادهای حکمرانی، ضعف در شفافیت، و نبود سازوکارهای تعاملی، از مهم‌ترین موانع در مسیر حکمرانی سایبری در ایران هستند. این مسائل دقیقاً همان چالش‌هایی هستند که هابرماس در نبود حوزه عمومی مؤثر به آن‌ها اشاره می‌کند. او معتقد است که حکمرانی بدون مشروعیت مبتنی بر مشارکت و گفت‌وگوی عقلانی، به انسداد سیاسی و ناکارآمدی می‌انجامد. بنابراین، مشارکت نخبگان، فعالان مدنی و شهروندان در تدوین سیاست‌های سایبری، نه تنها یک گزینه بلکه ضرورتی نظری است که یافته‌های تحقیق نیز بر آن تأکید دارند. در همین پیوستار، نظریه جامعه اطلاعاتی دانیل بل به عنوان مکمل این دو نظریه، بر نقش محوری اطلاعات و دانش در ساختارهای نوین اجتماعی و حکمرانی تأکید می‌کند. بل معتقد است که در جامعه پسا صنعتی، اطلاعات منبع اصلی قدرت و توسعه است و جوامعی که فاقد نظام تولید، پردازش و توزیع اطلاعات باشند، در عرصه رقابت جهانی عقب خواهند ماند. در پژوهش حاضر نیز ضعف زیرساخت‌های فناورانه، نبود استانداردهای بومی، وابستگی به فناوری‌های خارجی، و کم‌توجهی به توسعه علمی و پژوهشی، از موانع اصلی در تحقق حکمرانی سایبری مطلوب شناخته شده‌اند؛ مسائلی که دانیل بل آن‌ها

را نشانه‌هایی از شکاف دانشی در جوامع در حال گذار می‌داند. از منظر او، شکل‌گیری یک نظام حکمرانی کارآمد نیازمند سرمایه‌گذاری در حوزه دانش، نهادهای علمی، و ابزارهای اطلاعاتی نوین است. بدین ترتیب، نظریه بل نیز تأکید دارد که بدون بهره‌گیری از دانش بومی، فناوری بومی، و توانمندسازی سرمایه انسانی، هیچ مدل حکمرانی پایداری در عصر دیجیتال شکل نخواهد گرفت. در ایران، شرایط خاص سیاسی، فرهنگی و بین‌المللی ایجاب می‌کند که نظریه‌های مذکور به صورت تلفیقی در تبیین و طراحی مدل حکمرانی سایبری به کار گرفته شوند. زیرا از یک سو، ساختار سیاسی ایران متکی بر نهادهای متمرکز و نظارتی است و از سوی دیگر، تحولات جهانی و رشد فناوری، شکل‌های جدیدی از تعاملات اجتماعی و انتظارات عمومی را به وجود آورده‌اند که با مدل‌های سنتی ناسازگارند. در چنین شرایطی، نظریه جامعه شبکه‌ای کاستلز ما را متوجه این واقعیت می‌سازد که نمی‌توان با ابزارهای پیشین، بر نظام‌های جدید سایبری حکمرانی کرد، بلکه باید قدرت را در شبکه‌های فناورانه توزیع کرد و مشارکت چندسطحی را پذیرفت. هابرماس هشدار می‌دهد که نادیده‌گرفتن حوزه عمومی دیجیتال، منجر به کاهش مشروعیت و ناکامی در سیاست‌گذاری خواهد شد. و بل، ما را به ضرورت استقلال دانشی و اطلاعاتی و عبور از وابستگی فناورانه فرامی‌خواند. در تحلیل یافته‌های تحقیق، مشخص است که اقتباس از مدل‌های موفق جهانی بدون توجه به بستر بومی، اثربخش نخواهد بود. چالش‌هایی همچون نبود قوانین جامع، ناهماهنگی نهادی، محدودیت‌های فرهنگی، ضعف در آموزش سواد دیجیتال، بی‌اعتمادی عمومی، تحریم‌ها، و فقدان سازوکارهای بین‌المللی تعامل‌پذیر، همگی نشانه‌هایی هستند که در بستر نظری این سه اندیشمند قابل درک و تحلیل‌اند. آنچه از این ترکیب نظری حاصل می‌شود، ضرورت طراحی مدلی بومی، منعطف و در عین حال هم‌ساز با تحولات جهانی است؛ مدلی که هم به مشارکت عمومی بها دهد، هم زیرساخت دانشی و اطلاعاتی را تقویت کند، و هم از ساختار سیاسی کشور فاصله نگیرد. یافته‌ها نشان می‌دهند که نهادهایی چون شورای عالی فضای مجازی، باید از حالت صرفاً دستوری خارج شده و به بستری برای تعامل میان دولت، بخش خصوصی، نخبگان و جامعه مدنی تبدیل شوند؛ خواسته‌ای که در هر سه نظریه فوق به شکل‌های مختلف مطرح شده است. به‌طور خلاصه، پشتیبانی نظری یافته‌های تحقیق از طریق نظریه‌های کاستلز، هابرماس و بل، امکان تحلیل عمیق‌تر و طراحی جامع‌تر مدل حکمرانی سایبری در ایران را فراهم می‌سازد؛ مدلی که در آن جریان اطلاعات به‌مثابه قدرت، مشارکت به‌عنوان پایه مشروعیت، و دانش به‌عنوان موتور توسعه عمل می‌کنند و همه این عناصر، در بستر فرهنگی و اجتماعی ایران بومی‌سازی می‌شوند. چنین الگویی، نه فقط در راستای ارتقای کارایی حکمرانی سایبری، بلکه در جهت افزایش اعتماد عمومی، کاهش شکاف فناورانه، و تحقق عدالت دیجیتال در کشور نیز می‌تواند مؤثر باشد.



نمودار شماره ۱-Error! No text of specified style in document. الگوی راهبردی حکمرانی سایبری در بستر تحولات سیاسی و اجتماعی ایران

یافته های تحقیق:

سوال اول: تجربیات و رویکردهای موفق سایر کشورها در حوزه حکمرانی سایبری در جهت ارائه الگوی مطلوب برای ایران، چگونه امکان پذیر است؟

بر اساس نظرات مصاحبه شوندگان، بهره گیری از تجربیات موفق کشورهای دیگر در حوزه حکمرانی سایبری، تنها زمانی برای ایران اثربخش خواهد بود که این تجربیات در بستر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و فناورانه کشور تحلیل

و سپس متناسب‌سازی شوند. به گفته آنان، هرچند الگوهای جهانی در زمینه حکمرانی سایبری، همچون مدل کنترل متمرکز چین که بر قدرت نظارتی دولت تکیه دارد، چارچوب مقرراتی اتحادیه اروپا موسوم به GDPR که بر حفاظت از داده‌ها و حریم خصوصی شهروندان تأکید دارد، یا دولت دیجیتال پیشرفته استونی که با ارائه خدمات یکپارچه الکترونیک شناخته می‌شود، دستاوردهای قابل توجهی داشته‌اند، اما این الگوها نمی‌توانند بدون بومی‌سازی دقیق و بازنگری، به شکلی مؤثر در ایران پیاده‌سازی شوند. همچنین، رویکرد نوآوری‌محور ایالات متحده، که بر استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی و توسعه فناوری‌های نو تمرکز دارد، و دیپلماسی سایبری فعال سنگاپور، که در جهت ایجاد تعامل و همکاری‌های بین‌المللی حرکت می‌کند، از جمله دیگر مدل‌هایی هستند که مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان قرار گرفته‌اند. در این میان، ساختار سیاسی ایران، نقش محوری نهادهایی چون شورای عالی فضای مجازی، ارزش‌های فرهنگی و دینی حاکم، و همچنین میزان آمادگی فناوری کشور، همگی در انتخاب و بومی‌سازی این تجربیات نقش کلیدی دارند. بسیاری از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها تأکید کردند که چالش‌های فرهنگی از جمله نگرانی از تسلط غربی بر بسترهای سایبری، مقاومت در برابر برخی مظاهر حکمرانی دیجیتال نظیر شفاف‌سازی گسترده، و همچنین نبود سازوکارهای حقوقی و قانونی هماهنگ با هویت ملی، از موانع اصلی در مسیر اقتباس مستقیم از الگوهای بیگانه محسوب می‌شوند. از این رو، بومی‌سازی مدل‌ها مستلزم طراحی ساختاری متناسب با ویژگی‌های فرهنگی-دینی، تمرکز بر امنیت اطلاعاتی، و بهره‌مندی از ظرفیت‌های داخلی در حوزه‌های پژوهش، فناوری و آموزش است. افزون بر این، مصاحبه‌شوندگان بر لزوم تقویت نقش نهادهای میانجی همچون دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، نخبگان علمی و فنی و مشارکت فعال بخش خصوصی در فرآیند حکمرانی سایبری تأکید داشته‌اند. آنان معتقد بودند که بدون چنین مشارکت گسترده‌ای، موفقیت در اجرای هرگونه مدل حکمرانی سایبری پایدار با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. همچنین، همکاری‌های منطقه‌ای به‌ویژه در سطح کشورهای اسلامی و آسیایی، می‌تواند زمینه مناسبی برای هم‌افزایی و کاهش وابستگی به جریان‌های غربی در حوزه فضای مجازی فراهم کند. در نهایت، تدوین مدلی تلفیقی که عناصر کلیدی حکمرانی مؤثر جهانی را با اقتضات بومی ایران هماهنگ سازد، می‌تواند الگویی پایدار، منعطف و متناسب با شرایط کشور برای پیشبرد حکمرانی سایبری ایجاد کند؛ الگویی که هم از پیشرفت‌های فناوری بهره‌مند باشد و هم پاسدار ارزش‌های ملی و دینی جامعه ایران باقی بماند.

سوال دوم: چه چالش‌ها و موانعی در مسیر پیاده‌سازی الگوی حکمرانی سایبری مطلوب در ایران وجود دارد؟

بر اساس نظرات مصاحبه‌شوندگان، تحقق الگوی مطلوب حکمرانی سایبری در ایران، نیازمند غلبه بر مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده و درهم‌تنیده است که در سطوح نهادی، قانونی، زیرساختی، فرهنگی و بین‌المللی قابل بررسی‌اند. در سطح نهادی، یکی از مشکلات اساسی، تعدد نهادهای سیاست‌گذار و مجری در حوزه فضای مجازی است که به دلیل نبود انسجام و هماهنگی، باعث تداخل وظایف، تصمیم‌گیری‌های موازی و بعضاً متضاد

شده‌اند. نبود قوانین جامع و به‌روز، به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند حفاظت از داده‌های شخصی، مالکیت اطلاعات، و حقوق کاربران، نیز بر پیچیدگی این وضعیت افزوده است. در بعد زیرساختی و فنی، مشکلاتی مانند تحریم‌های بین‌المللی، ضعف در زیرساخت‌های ارتباطی، محدودیت‌های بودجه‌ای و کمبود دسترسی به فناوری‌های نوین نظیر اینترنت اشیا، هوش مصنوعی و نسل پنجم شبکه تلفن همراه (5G) از موانع مهم محسوب می‌شوند که باعث کندی در توسعه خدمات دیجیتال شده‌اند. در بعد فرهنگی و اجتماعی، بی‌اعتمادی شهروندان به نهادهای حکمرانی فضای مجازی، نبود آموزش و فرهنگ‌سازی فراگیر در زمینه سواد دیجیتال، و محدودیت‌های آزادی بیان، از جمله مسائلی هستند که انگیزه مشارکت کاربران را کاهش می‌دهند. نارضایتی عمومی از سیاست‌های فیلترینگ و کنترل محتوا نیز، خود مانعی جدی در شکل‌گیری اعتماد عمومی به نهادهای متولی فضای مجازی محسوب می‌شود. از منظر بین‌المللی، تحریم‌ها نه تنها مانع ورود فناوری‌های روز و دانش فنی شده‌اند، بلکه امکان تعاملات سازنده با نهادهای بین‌المللی و همکاری‌های سایبری منطقه‌ای و جهانی را محدود کرده‌اند. نبود استانداردهای بین‌المللی پذیرفته‌شده و ضعف در همگرایی با قوانین جهانی، باعث شده که سیاست‌گذاری‌های داخلی از مشروعیت بین‌المللی کمتری برخوردار باشند. افزون بر این، چالش‌های امنیتی از جمله ضعف در مقابله با حملات سایبری، نبود سامانه‌های هوشمند تشخیص تهدید، و ناکارآمدی نظام نظارت بر محتوای مجرمانه یا خطرناک، موجب شده که فضای مجازی کشور از منظر امنیتی نیز با ریسک‌های متعددی مواجه باشد. مصاحبه‌شوندگان تأکید داشتند که بدون شناسایی دقیق و رفع تدریجی این چالش‌ها، هرگونه الگوسازی یا بومی‌سازی مدل حکمرانی سایبری، با موانع جدی روبه‌رو خواهد شد و امکان تحقق حکمرانی مؤثر، پاسخ‌گو و پایدار در فضای مجازی کشور را با دشواری مواجه می‌سازد.

سوال سوم: چه عواملی به‌عنوان عناصر مؤثر بر مدل حکمرانی سایبری مطلوب در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی ایران شناسایی می‌شوند؟

بر اساس نظرات مصاحبه‌شوندگان، عوامل مؤثر بر طراحی مدل مطلوب حکمرانی سایبری در ایران را می‌توان در دو سطح اصلی مورد بررسی قرار داد: نخست بهره‌گیری از تجربیات بین‌المللی و دوم انطباق این تجربیات با شرایط بومی کشور. در سطح اول، تجربه کشورهای مختلف در حکمرانی سایبری می‌تواند به‌عنوان نقطه آغاز تحلیل قرار گیرد. به عنوان مثال، مدل چین بر کنترل متمرکز فضای مجازی و نظارت دقیق بر جریان اطلاعات استوار است که با نظام حکمرانی اقتدارگرا و متمرکز آن کشور همخوانی دارد. در مقابل، اتحادیه اروپا با تدوین مقرراتی همچون GDPR، بر حفاظت از حریم خصوصی کاربران و حقوق دیجیتال شهروندان تأکید دارد. آمریکا نیز با اتکا بر بخش خصوصی و شرکت‌های بزرگ فناوری، نوآوری و بازارمحوری را در اولویت قرار داده است. سنگاپور از طریق دیپلماسی سایبری فعال و تنظیم‌گری هوشمندانه توانسته است توازنی میان امنیت و توسعه ایجاد کند. استونی نیز به‌عنوان نمونه‌ای موفق از دولت الکترونیک، زیرساخت‌های دیجیتال قدرتمندی را برای تعامل دولت و شهروندان

فراهم کرده است. افزون بر این، کره جنوبی از طریق سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، ژاپن با تمرکز بر امنیت سایبری، انگلستان در زمینه قانون‌گذاری، هند با گسترش اقتصاد دیجیتال، و برزیل با مشارکت مؤثر بخش خصوصی، هر یک تجربیاتی ارائه کرده‌اند که می‌توانند برای ایران الهام‌بخش باشند. اما بهره‌برداری از این الگوها بدون توجه به ویژگی‌های خاص فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران نه تنها اثربخش نخواهد بود، بلکه ممکن است منجر به چالش‌های تازه‌ای نیز شود. مصاحبه‌شوندگان بر این نکته تأکید داشتند که انطباق این مدل‌ها باید با دقت و حساسیت بالا صورت گیرد. از جمله الزامات کلیدی این فرایند، توجه به ارزش‌های اسلامی و اخلاقی حاکم بر جامعه ایران، تقویت مؤلفه‌های هویت ملی در تدوین سیاست‌ها، و تدوین قوانین سازگار با ساختارهای اجتماعی و فرهنگی بومی است. چالش‌هایی نظیر مقاومت فرهنگی در برابر برخی فناوری‌ها، ضعف در آموزش عمومی مرتبط با فضای مجازی، و بی‌اعتمادی به نهادهای متولی سایبری، در صورت نادیده‌گرفتن این مؤلفه‌ها، می‌توانند فرآیند حکمرانی سایبری را با بن‌بست مواجه کنند. همچنین، ساختار سیاسی متمرکز و نقش پررنگ نهادهای بالادستی همچون شورای عالی فضای مجازی و شورای عالی انقلاب فرهنگی در سیاست‌گذاری‌های کلان، ایجاب می‌کند که هر گونه الگو یا مدل پیشنهادی، با سازوکارهای حقوقی و نهادی کشور هم‌راستا شود. به‌طور کلی، طراحی مدل مطلوب حکمرانی سایبری در ایران، مستلزم بهره‌گیری هوشمندانه از تجارب جهانی در کنار درک عمیق از اقتضائات داخلی، تعامل فعال با نخبگان، نهادهای مدنی و بخش خصوصی، و تدوین قوانین بومی منطبق با شرایط فرهنگی و اجتماعی کشور است. این رویکرد تلفیقی، می‌تواند بسترساز حکمرانی سایبری کارآمد، باثبات و بومی در ایران باشد.

محدودیت‌های تحقیق:

یکی از چالش‌های اصلی، دسترسی به مصاحبه‌شوندگان کلیدی بود. بسیاری از متخصصان و کارشناسان به دلیل مشغله‌های کاری فراوان، برنامه‌های فشرده و بعضاً عدم تمایل به شرکت در مصاحبه‌های زمان‌بر، همکاری محدودی داشتند. این مسئله موجب شد تا فرایند انجام مصاحبه‌ها با تاخیر و در بازه زمانی طولانی‌تری انجام شود و امکان بهره‌گیری از برخی دیدگاه‌های مهم از دست برود.

فهرست منابع:

آقایی‌خوندابی، مجید؛ طلعتی، مصطفی؛ نجارزاده، رضا (۱۳۸۶): اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ict) بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC). پژوهش نامه بازرگانی ۱ (۱۱)، صص ۴۹-۷۸.

بیکر، ترز، ال. (۱۳۸۹). روش تحقیق نظری در علوم اجتماعی، ترجمه: دکتر هوشنگ ناییبی، چاپ هفتم، انتشارات دانشگاه پیام نور.

تراب زاده، لیلا و ایمانی، جاوید، (۱۴۰۰)، تولید محتوا و سواد رسانه ای یاریگران حکمرانی نوین و تاب آوری سایبری، دو فصلنامه دین و ارتباطات، دوره: ۲۸، شماره: ۰.

توانا، جعفر و سعادت، محمدطاهر، (۱۴۰۰)، واکاوی رابطه حکمرانی فضای مجازی و حقوق فضای سایبری، اولین همایش بین المللی حکمرانی و کشورداری در ایران، تهران.

حسن پور، هوشنگ (۱۳۹۱): توسعه آموزش همه جانبه مبنای توسعه سواحل مکران و نقش آن در اقتدار دریایی ج.ا.ا. اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران، صص. ۱۷.

کاستلز، مانوئل و اینس، مارتین. (۱۳۸۴). گفت‌وگوهایی با مانوئل کاستلز، ترجمه ی حسن چاوشیان و لیلا جدافشانی. تهران: نشر نی.

کاستنر، مانوئل (ب). (۱۳۸۰). پایان هزاره، ترجمه ی احد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: نشر طرح نو.

کاستنر، مانوئل. (الف) (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای، جلد اول، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: نشر طرح نو.

کاستنر، مانوئل، (الف)، (۱۳۸۹)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: ظهور جامعه شبکه ای، چاپ ششم، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: نشر طرح نو.

کاستنر، مانوئل، (ب)، (۱۳۸۹)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: پایان هزاره، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: نشر طرح نو.

یاراحمدی، آرش؛ تهمک، حمیدرضا؛ ایرانشاهی، سبحان؛ جوانمردی، محبوبه؛ گل فخرآبادی، ندا (۱۳۹۱): تحلیلی بر فرآیند مدیریت منابع انسانی در شرکتهای دریایی ایران (مطالعه موردی شرکت ملی نفتکش جمهوری اسلامی ایران). اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران.

Baker, J. A. (2020). *Cybersecurity and cyber governance: The intersection of public policy and technology*. Cambridge University Press.

Marwick, A. E. (2018). *The private label: Cybersecurity, privacy, and social media*. Wiley-Blackwell.

Sharma, A., & Sharma, R. (2020). *Cyber governance in the digital age: Implications for policy and society*. Springer.

Van Dijck, J. (2018). *The culture of connectivity: A critical history of social media*. Oxford University Press.

Yusif, S., Hafeez-Baig, A., & Anachanser, C. (2024). Internet governance and cyber-security: a systematic literature review. *Information Security Journal: A Global Perspective*, 33(2), 158-171.

Zwitter, A. (2024). Cybernetic governance: implications of technology convergence on governance convergence. *Ethics and Information Technology*, 26(2), 1-13.

Presenting a Strategic Model of Cyber Governance Based on Iran's Political and Social Spheres (A Grounded Theory)

Abstract:

The advancement of cyber technologies and the emergence of new threats have fundamentally changed the traditional governance space. Considering the challenges and opportunities of cyberspace in the country and its role in social, security and political developments, this research seeks to develop a native and efficient model for cyber governance. The present research method is qualitative. The study population includes specialists in the field of communications and information technology in Tehran, and sampling was carried out using the snowball method, in which semi-structured interviews were conducted with 15 people, and the data were analyzed using the data-based theory method and key concepts and categories were extracted. Qualitative findings showed that the desired model of cyber governance in Iran should be localized, integrated and compatible with the country's cultural and political values. Active participation of domestic institutions, institutional coordination, formulation of appropriate laws, strengthening infrastructure, attention to cyber diplomacy, and confronting cultural challenges such as public distrust were introduced as key factors in designing this model.

Keywords: Cyber governance, cyberspace, strategic model, political and social sphere.